

در پست قبل به تسخیره لیدییه توسط کوروش بزرگ اشاره کردیم

در این پست:

بعد از تسخیره لیدییه، یونانی ها ترسیدند چون با حکومتی قدرتمندتر همسایه ی اون شده بود.

قبل از حمله به لیدییه کوروش بزرگ نامه ای به یونان زد و به اونها گفت که با او متحد بشن اما اونها رد کردند.

و وقتی که لیدییه شکست خورد، یونان درخواست اتحاد و صلح کرد اما کوروش بزرگ جوابی به اون ها داد این بود:

نی زنی به لب دریا نزدیک شد و پیش خود گفت: اگر نی بزنم بی شک این ماهی ها خواهند رقصید! نشست و چندان که نی زد دید اثری از رقص آنها نیست. پس توری برداشت و بیفکند و وقتی ماهی ها در تور می جستند و می افتادند، گفت: اکنون بیهوده می رقصید، می بایست وقتی که من نی می زدم به رقص آمده باشید.

و با این مثل می خواست بگه که زمان تقاضا نموم شده.

اول با یکی از شهرهای بزرگ یونان به اسم میلث شروع کرد و قرار دادی که توی گذشته با حکومت لیدییه با یونان بسته بود رو با این شهر امضاء کرد و این شهر رو جلب کرد. بعد از اون جزایر یونانی رو به مستعمرات خودش اضافه کرد.



یونانی ها به اسپارت متوسل شدن و سفیری نزد کوروش بزرگ فرستادند. و او را تهدید کردند و کوروش بزرگ در جواب گفت:



من از مردمی که در میدان جمع می شوند تا به قید قسم به یکدیگر دروغ می گوینده هیچ گاه بیمی نداشته ام اگر زنده ماندم چنان کنم که شما به جای اینکه از بنیان ها حرف بزنید از بیچارگی خودتان بنالید!

کوروش در فاصله ی کمی بعد از تسخیر سارد به ایران مراجعت کرد تسخیر سایر قسمت های آسیای صغیر را به سرداران خودش محول کرد.

بابل و مصر فرصتی برای تجهیز کردن خودشون نداشتن پس هر لحظه منتظر حمله حکونت پارس به خودشون بودند. اما کوروش بزرگ هیچ توجه ای به این حکومت ها نکرد و به کشور گشایی در شرق و شمال ایران پرداخت:

8 سال مشغول لشکرکشی و جهانگیری در طرف مشرق و شمال ایران بود و از طرف شمال تا رود سیحون پیش رفت و در کنار آن رود شهری به اسم خود بنا کرد.

بعد از طرف مشرق تقریباً تا رود سند پیش رفت و پس از آنکه حکومت خود را در مغرب و مشرق محکم کرد به طرف بابل رفت بعضی از محققین بر این عقیده اند که لشکر کشی های کوروش به طرف مشرق و شمال شرق بعد از تسخیر بابل بوده.

تسخیر بابل



راجب به تسخیر بابل دو روایت وجود دارد: یکی از قوم بنی اسرائیل و دومی مدارکی که از کاوش های بابل به دست آمده.

گرفتن بابل کار خیلی سخته بود در بهار 539 قبل از میلاد لشکر ایران از دجله عبور کرد. در بابل بخت النصر که در 561 قبل از میلاد در گذشت و در مدت شش سال سه نفر پادشاهی کردند و در 555 روحانیون بابل، تاجری را به نام نبونید بر تخت نشاندند. این

شخص آدمی نبود که بتواند بابل را در چنین موقعیت مهمی حفظ کند. نوشته اند، که میل زیادی به شناخت آثار عتیقه داشت و در خرابه های معابد قدیمی بابل به امرش کاوش هایی انجام شد و لوحه هایی بیرون آمد.

پادشاه بابل با پارسی ها جنگ کرده و شکست خورد و به بابل پناه برد گرفتن شهر با حمله محال بود و با محاصره خیلی طول می کشید چون بابلی ها توی زمین هایی که درون شهر بابل بودند کشاورزی می کردند.

پس کوروش دستور داد رود فرات را برگردانند و در مجراهای آن آب کم شد و قشون ایران از اون راه وارد شهر بابل شدند (538 قبل از میلاد) ولی در شهر غارت و کشتار نکردند و کوروش بزرگ با کمال مهربانی با اهالی رفتار کرد

اما در روایت دوم مبنی بر منابع بابلی ها:

نبونید مجسمه ی رب النوع او را به بابل آورده پیروان بل مردوک الهه بابلی ها را از خود رنجاندند. اینها با کوروش قرار دادی وضع کردند و او وقتی که دیاله و دجله نسبتاً کم آب بود این دو رود را برگردانید و در محوطه که بین بابل و سد بخت النصر و آن را شکست داد. پس از آن سردار کوروش بدون جنگ از طرف جنوب داخل بابل شد و پادشاه بابل تسلیم شد. شاه در معبد بزرگ بابل، موافق مراسم مذهبی بابلی ها تاجگذاری کرد و احترام زیاد به مذهب و معتقدات اهالی نمود.

کوروش نسبت به بنی اسرائیل که از زمان بخت النصر در اسارت بودند، مهربانی و رافت مخصوصی ابراز کرد و حتی اجازه داد که آن ها به بیت المقدس برگردند اما اختلافی که بین آن ها ایجاد شد کوروش ساختن معبد جدید را موقت ممنوع کرد.

کوروش در بابل برای به دست آوردن قلب مردم بیانه ای داد که عین آن در حفاریات بابل به دست آمده و اکنون به استوانه کوروش معروف است.

در رابطه با وفات کوروش بزرگ: روایت های مختلفی درباره وفات کوروش بزرگ وجود دارد.

هردوت می گوید در جنگ با ماساژت ها از کشته شد. کوروش از ملکه ی ماساژت ها خواستگاری کرد و به او جواب توهین آمیزی داد و جنگ در گرفت که این می تواند ناشی از کینه ی یونانی ها از ایرانی ها باشد و می تواند دروغ باشد.

برس نوشته که کوروش در جنگ با عشیره دهها در حوالی گرگان کشته شد.

کنزیاس گوید: کوروش در جنگ با سکاها زخم برداشت و پس از آن در گذشت پیکر او را در پاسارگاد دفن کردند.